

راه ابریش

ویژه‌نامه‌شناسی

قهرمان آسمان ندارد

شهر در آینه فرهنگ در گفت‌وگو با احمد مسجدجامعی

وزارت راه و شهرسازی - شماره ۳ - آذر و دی ۱۳۹۴

آیا اندیشه
ایران شهری
می‌تواند
دوربرگردانی در
سیاستگذاری
توسعه شهری
ایران ایجاد کند؟

ایران شهر به مثابه نقشه راه

با آثاری از:

عباس آخوندی | بیروز خواجه
حامد مقاریران | سیدرضا هاشمی
سیدجواد طباطبائی | شهیندخت خوارزمی
سعید معین‌فر | یونس شکرخواه | هادی خانیکی
محمدیه‌شاهی | محسن حبیبی | پرویز اجلائی
یعقوب موسوی | حسن نمکدوست | احمد سعیدنیا
محمدسعید ایزدی | اسماعیل تشاره‌لان
محسنی موسویان | سیدقاسم بی‌نیز

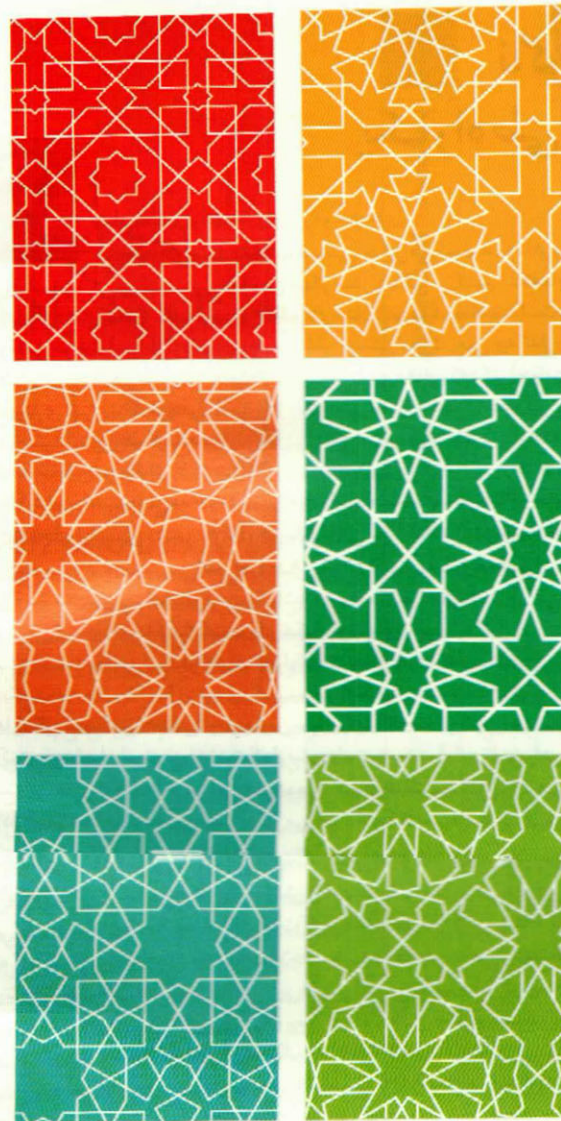


حمل و نقل شهری جهان پیش‌رو

زروهشی آینده‌نگرانه درباره
شهرها و حمل و نقل شهری

با آثاری از: ناصر فکوهی | نوین تولایی | نعمت‌الله فاضلی
پیام روشنفکر | حبیب دانشور | داریوش محمدی مجد
پرویز...

راه و راهداری به مثابه پدیده تمدنی



در جست و جوی هویت از دست رفته

اندیشه ایران شهری مفهومی فراتر از «شهر ایرانی» است



سید محمد بهشتی | رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

اندیشه ایران شهری «یک پروژه نیست، و باید نگاه فرایندی به آن داشت. اما در آغاز باید بفهمیم اندیشه ایران شهری چیست و این اندیشه چگونه می تواند در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ما منعکس شود. اگر با شتابزدگی پیش برویم، اندیشه ایران شهری هم همان سرتوشتی را پیدا می کند که بسیاری دیگر از اصطلاحات ارزشمندان پیدا کردند؛ مثل اصطلاح «توسعه پایدار» که امروز همه از آن سخن می گویند ولی هیچ کس تامل نمی کند

که این توسعه پایدار یعنی چه؟ هر طرح ارزشمند بعد از مدتی معادل واژه «خوب» می شود، و اغلب تامل نمی کنیم که این چیز خوب، دقیقاً چیست و تفاوتش با سایر چیزهای خوب در کجاست. اولین توصیه ام این است که شتابزده عمل نکنیم. تانفهمیدیم، درست هضم نکردیم و اتفاق نظری برسر تعریف اندیشه ایران شهری و معنای آن در توسعه شهری، و تکلیف وزارت راه و شهرسازی نسبت به این قضیه پیدا نکردیم، بهتر است به دنبال

عملیاتی کردنش نرویم. باید ابتدا فهمید که آیا این اندیشه بلافاصله می تواند تبدیل به سیاستگذاری شود یا نه. قدم اول ما ایجاد گفت‌وگو است و زمانی که گفت‌وگویی به شکل عمومی در این زمینه ایجاد نشده باشد، شما هر اقدامی بکنید تمام سیستم فعلی علیه شما شروع به بسیج شدن می کند، چون شما می خواهید مسیری را خلاف مسیری که در تمام طول ۶۰، ۷۰ سال گذشته طی شده، بروید. همه به آن شیوه عادت کرده اند، پس طبعاً در برابر شما که خواستار تغییر وضعیت هستید مقاومت خواهند کرد. در صورتی که اگر شما در گام اول گفت‌وگو سازی کنید، این سیستم موجود به تدریج نرم و منعطف می شود تا در مسیر جدیدی که پیشنهاد می کنید، همراهی تان کند.

اندیشه ایران شهری فکری است که فقط به شهر ارتباط ندارد. مبتنی بر اندیشه ایران شهری، به هر چیزی می توان نگاه کرد از جمله به شهر و حتی به مدیریت آب های شیرین کشور. در نگاه اول، اندیشه ایران شهری مایه ازای «شهر ایرانی» قرار گرفته است در حالی که چیزی فراتر از آن است. اصولاً در بحث اندیشه ایران شهری، ادبیاتی که در کشور تولید شده ادبیات خیلی گسترده ای نیست. تعداد افرادی که در این حوزه به صورت جدی وارد شده اند بسیار اندک اند. در بعضی حوزه ها مثلاً در ادبیات با نظر داشتن به اندیشه ایران شهری بحث هایی صورت گرفته، ولی نه بحث خالص حکمی راجع به توضیح و تشریح اندیشه ایران شهری. اگر شما بگویید اندیشه ایران شهری همه یک مفهوم مه آلودی در نظر دارند. یک چیز واضح و روشن نیست که موافق و مخالفی داشته باشد یا استادی داشته باشد و شاگردانی... شما اگر بگویید «اندیشه هایدگر» ده ها مفسر دارد. اما درباره اندیشه ایران شهری در یک خامی جدی به سر می برسیم. بر خورد برخی دوستان به گونه ای است که انگار این اندیشه روشن شده، روی آن کار علمی در حوزه فلسفه و حکمت صورت گرفته، و کسانی هستند در گوشه و کنار کشور که در این زمینه صاحب نظر و رای هستند که ما باید اینها را پیدا کنیم، گروه هایی تشکیل دهیم و از تعاطی فکرشان نتایجی بگیریم. حال آنکه فکر نمی کنم ۵ نفر هم پیدا کنید که متخصص این موضوع باشند. این اندیشه هنوز در تجردش به سر می برد. یکی از دلایلی که تاکید می کنم این موضوع ابتدا باید با گفت‌وگو شروع شود به همین دلیل است، تا شاید یارانی در حوزه نظر در شاخه های مختلف پیدا کند. مشکل ما عدم اشاعه این فکر نیست، مشکل ما عدم شفافیت این فکر، و عدم وجود ادبیات پُر و پیمان نسبت به این نوع فکر است. اندیشه ایران شهری هنوز یک مفهوم شسته رفته یا یک

صورت مسئله تعریف شده نیست. و این یعنی: فراهم آوردن مقدماتش پیشتر وقت می گیرد و مسیر سنگلاخ تری است.

واضح است که مساله امروز ما، مساله هویت شهری است. می گویم که شهرهای ما تا سالهای دهه ۴۰ دارای هویت بودند، اما هرگز تامل نکردیم که این هویت یعنی چه؟ پرسش اینجاست که در نگاه یک شهر ساز این شهرها به چه معنا و چطور هویت داشتند؟ ما تامل نکردیم. مادر چنین پرسش هایی هم تامل نکردیم و با چندت استدلال کلاز تامل در این هویت منصرف شده ایم؛ جمعیت آنقدر زیاد شده که اصلاً فرصت نیست راجع به این چیزها فکر بکنیم؛ تکنولوژی آنقدر پیشرفت کرده که اصلاً معنی ندارد ما به آن راه حل ها و الگوها برگردیم؛ برنامه ریزی شهری و ساخت و ساز باید مبتنی بر اصولی باشد که از آن ور آب می آید. ما هیچ سندی پیدا نمی کنیم که مثلاً در دوره صفویه، آیین نامه ۲۸۰۰ وجود داشته باشد. چون وجود ندارد می گویم این ها همه الهه بختکی می ساختند و شهرهایشان را توسعه می دادند، و کوچه های کج و معوج می ساختند. آنقدر ساده می کنیم صورت مسئله را، که انگار هیچ نوع هوشمندی، عقل، درایت، مهندسی و فهم نسبت به محیط وجود نداشته که این شهرها پدید آمدند. یعنی از یکسو می گویم شهرهای قدیم واجد هویت هستند و از سوی دیگر چنین داوریهایی داریم. بیایید یکبار تکیه نکنیم به مطالعاتی که در طرح های جامع انجام می شود. عکس های هوایی شهرهای ما در سال ۱۳۳۵ همه شهرهایی هستند که بر اساس اندیشه ایران شهری ساخته شده اند و بر اساس نقشی که در ایران داشتند الگوی توسعه شهری متفاوتی داشتند. وارد بحث های فلسفی هم نشویم، چون یک مرتبه مدار مان به سمتی می رود که شاید ۳۰ سال دیگر به شهرسازی برسیم. در صورتی که عینش موجود است؛ همین شهر اصفهان که تا قبل از سال ۴۰ مبتنی بر اندیشه ایران شهری ساخته شده است. تا پیش از دهه ۴۰ شهر، در شهرهای ما پدیده ای وجود داشت به اسم محله، و در محلات ساختاری مر کب داشتیم. در هر محله ای پولدار، حاج آقا، عالم، سیاستمدار، بقال، و گدای محله همه در کنار هم زندگی می کردند. در ست از دهه ۴۰ به بعد است که در تهران، محلاتی پدید می آیند که فقط یک قشر اجتماعی در آنها زندگی می کنند. مثلاً در نارمک فقط طبقه متوسط مذهبی مستقر می شوند. طبقه بالاتر از متوسط مذهبی در درس جمع می شوند، اداره جاتی هادر یوسف آباد جمع می شوند، نسل بعدی اداره جاتی هادر گیشا جمع می شوند، آنهایی که کمپانی های واردات و صادرات داشتند در عباس آباد جمع می شوند، یعنی یک پدیده جدیدی اتفاق می افتد

که این را در طول تاریخ شهرنشینی نداشتیم. این ما را وارد یک وضعیتی می کند که من اسمش را می گذارم «بحران مدنیت»، سبطره کمیت حاکم می شود، کیفیت مفهومی را از دست می دهد. در نتیجه شما مثلاً پدیده ای به اسم خیابان ندارید، فقط جاده دارید. جاده هایی که داخل شهر هستند. خیابان هایی که یکطرفه می شوند و فقط سرعت اهمیت دارد. از همان زمانهاست که خیابان های متری درست می شوند. تا قبل از دهه چهل خیابان یا نادری است، یا لاله زار، یا استانبول است، یا فردوسی است. اسم دارند، رسم دارند، برای خودشان هویت دارند. میدان تبدیل می شود به فلکه. تبدیل می شود به گره ترافیکی. می خواهیم بگوییم همه چیز تنزل پیدا می کند. شدت یافته این وضعیت را پس از انقلاب می بینیم. تا دهه هفتاد، که نسل سوم مهاجرین آرام آرام وارد صحنه های اجتماعی می شوند، و دیگر مثل آن حاشیه نشین ها نیستند. سال ۷۶، هفت تا کافی شاپ بیشتر در تهران نبود. الان شاید بیش از هفت هزار کافی شاپ داشته باشیم. در سالهایی که بحران مدنیت در اوج بود، زندگی به مثابه یک کیفیت، به فضای خصوصی پناه برده بود. در فضای عمومی فقط رفت و آمد وجود داشت. در حالی که الان دوباره زندگی از فضای خصوصی به فضای عمومی نشت کرده است. این تغییر احوال است که رفته رفته دارد تمنای هویت ایجاد می کند. یعنی همان چیزی که شهرهای ما را، معماری ما را اینگونه کرد، دارد دچار تغییر و تحول می شود. ما در حوزه شهرسازی و معماری، سازهایمان از کوک خارج نشده، گوش هایمان از کوک خارج شده است. برای همین است که وقتی یک صدای خوش را می شنویم گوش هایمان نمی تواند تشخیص دهد این کوک است یا نه. ما باید برای اینکه گوش هایمان را کوک کنیم تا بتوانیم سازهایمان را کوک کنیم، برویم سراغ یک ساز کوکی که اتفاقاً هنوز کوک باقی مانده. با آن گوش هایمان را کوک بکنیم.

در انتخابات ریاست جمهوری دقت کنید. در تمام دوره ها، کاندیداها یک تاریخ از دوره هخامنشی تا امروز می گفتند. چرا؟ چون می خواستند تعلقشان را به هویت ایرانی معرفی بکنند و غصه بخورند برای ایران و ایرانی. چون انگار این شاخصی بود که مردم به آن رای می دادند. گویی تمنای هویت به شدت در جامعه ایرانی وجود دارد. امروز اگر در وزارت راه و شهرسازی ایده ایران شهری مطرح می شود، که ابتکار دکتر آخوندی است، آن را باید جدی گرفت و جدی اش می گیرد. این یعنی یک شرایط جدید اتفاق افتاده است. نگران هم نباید بود. گفت‌وگو سازی مهم است ولی چنانکه اشاره شد، زمین هم حاصلخیز است. شرایط، شرایط مساعدی است. ■

پرونده ویژه ● اندیشه ایران شهری: به مثابه نقشه راه

عکس های هوایی شهرهای مادر سال ۱۳۳۵ همه شهرهایی هستند که بر اساس اندیشه ایران شهری ساخته شده اند و بر اساس نقشی که در ایران داشتند الگوی توسعه شهری متفاوتی داشتند. وارد بحث های فلسفی هم نشویم، چون یک مرتبه مدار مان به سمتی می رود که شاید ۳۰ سال دیگر به شهرسازی برسیم. در صورتی که عینش موجود است؛ همین شهر اصفهان که تا قبل از سال ۴۰ مبتنی بر اندیشه ایران شهری ساخته شده است.

